

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۱ اگست ۲۰۱۲

## واسطه و رابطه بین خدا و انسان

۱

از چیست خدایا که تو بسته است زبانت ؟  
ولگرد بیابان شده پیغام رسالت ؟  
پیغمبرت ار دکترو و عالم بد و استاد  
دین بلکه جز این بود که آورد شبانت  
گر داشت سواد و خبر از دانش امروز  
شاید به ازین بود کنون وضع جهانت

(؟)

بالظاهر سیاس بی پایان و فرستادن درود های گرم و آتشین خود به گردانندگان با شهامت پورتال (افغانستان آزاد – آزاد افغانستان) که نزدیک به دو سال است با همت و شجاعت کم نظیر در ویراستاری نوشته هایم و نشر آن در این پایگاه عدالت خواهی انسانی بر من منت گذاشته اند؛ این نوشته را آغاز می نمایم.  
همچنان از هموطن گرانمایه خود (آقای درویش کابلی) که برای چندمین بار بنده را به درجه قابل نوازش بودن شان پذیرفته و مهربانی های ادبی شان را بر من لازم دیدند جهانی سیاس و درود و همچنان قابل یاد آوری می دانم که موضوعات مطروحه جناب شان در قالب شعری واقعاً زیبا به ارتباط چند نوکر استعمار در بحث بعدی زیر عنوان جبر و اختیار به بحث کشیده خواهد شد.

### بخش اول

از زمانه های خیلی قدیم که باور مندی های انسانی از چند خدائی به یک خدائی تغییر شکل داد در جوامع مختلف

مردمانی عرض وجود نمودند، که ادعا داشتند از طرف خدا برای رهنمائی بشریت تعیین و منحیث پیام آور الهی فر ستاده شده اند و خود را پیامبر یعنی (پیام برنده) و رابطه بین خدا و انسان‌ها؟؟ نامیدند. که نظر به گفته محمد بنیان گذار دین اسلام تعداد این فرستاده های الهی به ۱۲۴۰۰۰ نفر در ۶۰۰۰ سال می باشد ( این عدد ۶۰۰۰ سال برگر فته از روایات دین سازان یهودی و اسلامی می باشد که می گویند از زمان خلقت بابا آدم تا امروز ۶۰۰۰ سال گذشته است) این که پیامبران وظیفه دار و یا بی وظیفه (پیامبران ارثی) هر کدام شان چند سال، چند ماه و یا چند روز عمر نموده اند همین دنباله روان و پیامبر شناسان باید بر آن روشنی بیندازند؟؟ در غیر آن به زودی در باره آن‌ها هم معلوماتی خدمت عزیزان ارایه خواهد شد .

با شناخت از این پیامبران و مدعیان آن این که در انتخاب خداوند چی چیزی معیار بوده است فهم آن یک کمی مشکل گردیده است . جست و جو در مورد یک پیامبر برخاسته از سر زمین یهود و عرب که حد اقل دارای فهم علوم مروجه همان وقت باشند، به نتیجه نمی رسد. همه مدعیان پیامبری از زمان آدم پیامبر بدون امت و کتاب، به اصطلاح عوام (پیامبر بی خار) به بعد تا محمد همه وارثین نبوت از یک سر زمین بوده‌اند و شغل پیامبری شان میراثی بوده است. اکثر این پیامبران نه تنها رسالتی نداشته‌اند و کتابی و هدایاتی به آن‌ها نسبت ندارد بلکه خود هم نمی دانستند که چون از دود مان فلان پیامبر هستند به این شغل شریف و نان آور وابسته می باشند. اگر برای لحظه‌ای قبول نمایم که این برگزیده ها راست راستی فرستاده ای خدا هستند این‌ها پیام آور می باشند نه تطبیق کننده اجباری هدایات خداوندی؟؟ یعنی وظیفه این‌ها را باید در حدود ابلاغ پیام خداوند قبول نمود نه این که با به وجود آوردن هزاران جنایت و چپاول هستی و شرف مردم از تطبیق هدایات خداوندی به شکل زور و قهر قبول شان نمود!! آن‌ها باید مبلغ باشند نه زورگویی؟؟ در حالی که اکثر این پیامبران ابتداء کار تبلیغات خود و پیام الهی را از راه مسالمت و موعظه شروع نموده و به مجرد یافتن زور و قوی شدن، به حملات تباہ کن علیه مردم پرداخته و خواسته اند آن‌ها را به جبر و زور از راهی که آن‌ها بلد استند وارد بهشت سازند؟؟

یک تعداد از مدعیان پیامبری نسبتاً با شعور و هوشیار (البته نه پیامبران اسرائیلی و عربی) با تفکر و اندیشیدن به مسأله خلقت و هستی به این نتیجه رسیده بودند که عالم را خالق است و ایشان هم بدون دلیل وظیفه نمایندگی خدا را (خیالی) در روی کره زمین به دوش گرفتند

پایه‌های اعتقادی مردم بر مبنای ترس شان از آفات طبیعی روز تاروز وسیعتر و محکمتر می شد تا این که تبارز و موجودیت پیامبران را لازمی ساخته و آن‌ها هم تا اندازه توان و امکان خود را مهم و سرنوشت ساز توده ها جلوه داده و برای تحکیم پایه‌های اعتقادی مردم تا حد امکان مردم را در خوف ترس خدا (ایجاد کنندگان بلا ها و مصیبت های طبیعی) نگهداشته اند تا این وحشت زیاد تر، در دل مردم دلیلی شود بر اینکه آن‌ها (مردمان عادی) به اشخاص و افرادی چون آنها نیازمند گردیده که ایشان را از غضب خدا نجات و شامل ترحم او بسازد.؟؟ و زرنگان جامعه هم صفاتی زیاد و همه جانبه به خدائی که او را فرستاده بود می دادند تا با این نیرنگ مردمان را در بین یأس و امید نگهدارند .

پیامبران که در سابق خدا را معرفی می نمودند هیچ گونه شناخت منطقی از خدا نداشتند و آن‌ها با مروری از جریان موجودیت، رشد و کاپی از طرح های خرافاتی های پیشین و خدایان شان موجودی را به نام خدا در ذهن خود پرورانیده و نظر به اقتضای شرایط و زمان به نام های دیگر به مردم معرفی داشتند. در آن قدیم‌ها هر پیغمبری که می توانست موهومات بیشتری را به خدای که معرفی می نمود نسبت بدهد برای قبولی او از طرف مردم مشککش کمتر می شد و این بسته به زرنگی پیامبر داشت !! روی این ملاحظه هر پیامبری صفاتی را که زائیده مغزش در

ارتباط با وقایع طبیعی و اجتماعی بود جمع‌بندی نموده و با نظر داشت مشکلات و خواهشات مردم همان دوره به خدا، منحيث یک نیروی کل و تعیین کننده و فوق بشریت نسبت داده به مردم معرفی مینمود.

پیامبران برخاسته از سرزمین فلسطین، یهود و عرب **گروه امتیاز طلب** در دو طایفه یا گروه تقسیم می‌شود: گروه اول ادعا داشتند که آن‌ها نه تنها واسطه بین خدا و بندگانش از طرف موجودی فوق طبیعی از طریق های غیر مکشوف تعیین و وظیفه هدایت و رهنمائی بشریت بدوش آن‌ها گذاشته شده است، بلکه تطبیق آن را هم از وظایف اولیه خود می دانستند!!؟ و گروه دوم مجبور به پیامبری بوده اند. چون به نحوی از انحاء به یکی از پیامبران گذشته ارتباط نسلی داشته است و این که برتری و مزیت آن‌ها (پیامبران) به تناسب دیگر مخلوقات چه بوده که باعث این مقام گرفتن آن‌ها نزد خداوند گردیده است ظاهراً موهوم و مبهم است. اما دین سازان می گویند که خواست خدا چنین بوده است !! همه آگاهی‌های مردم در مورد فرستاده های مشخص خدا به نام پیامبر فقط در کلمات و جملات ارایه شدگی همان ادعا کنندگان و تیغه شمشیر مخلصان شان بدون کدام دلیل مسلم و محکم میچرخید.

نظر به روایات خود یهودی‌ها و اسلاميون در بعضی از مقاطع زمانی مشخص چند پیامبر با هم بوده اند بدون این که یکی از احوال دیگر خبر داشته باشند و جالب‌تر این که آن‌ها هیچ نوع موعظه و رهنمائی برای هم میهنان خود نداشته‌اند فقط پیامبر شده‌اند به خاطر این که پدر، پدر کلان، کاکا، ماما و یاجد و آبای شان پیامبر بوده و شخص یاد شده چیزی از پیامبری نمی دانسته است فقط گروه‌های مردم محلی در آن زمان نظر به وراثت و رشته داشتن جناب پیامبر با یکی از پیامبران سابقه به پیروی شان تن در داده بودند که این پیامبر اجباری بدون فهم و دارا بودن شرایط پیامبری (که معیار های این شناخت هم معلوم نیست) مالک زمین و گوسفند های شیر ده و شتر های بار بر از مردم شده است اما اسلام سازان ودینی های وابسته از ایشان به نام های پیامبر، رسول، نبی و ... از تعداد پیامبر های غیر ضروری یاد نموده و لازم بودن موجودیت آنها را تشریح و غرض فریب عوام الناس در باره آن‌ها بعضاً چیزک هایی هم نوشته اند.

با بررسی مختصر در ادیان ابراهیمی که هر سه آن (خدای واحد) را پرستیده و تنها وجه مشترک این ادیان است می‌بینیم که موجودیت، عمل‌کرد و نتیجه‌گیری این خدا در سه دین از همدگر فرق کلی داشته است مثلاً با سیری در اوراق تورات می‌بینیم که همین خدای واحد به دیدار ابراهیم پیامبر می‌رود و از کباب گوسفندی که ابراهیم برایش تهیه داشته نوش جان می نماید و در مقابل صاحب فرزند شدن از (سارا) را به او وعده می دهد !! با حضرت یعقوب پیامبر که او را پدر دوازده قبیله اسرائیل می دانند همین خدا کشتی می گیرد اما نمی تواند یعقوب را بخواباند؟ و حتی با آن که با او تا صبح در کشتی گیری مشغول بوده است؟ نمی داند که او یعقوب پیامبر اوست؟؟ و وقتی هم همین خداوند می‌فهمد که موسی پیامبر او ختنه نشده دنبالش می‌رود تا او را به قتل برساند. در متن اناجیل همین خدا را می‌بینیم که در قالب روح القدس در مریم (باکره) میدمد و از نطفه او عیسی متولد می‌شود (عیسی که خودش از کتاب آسمانی اش خبر نداشت) و در اسلام به روایت قرآن هم همین خدا با فرستادن چند جمله به سادگی محمد را با مشوره ابوبکر و لزوم دید خدیجه زن بیوه و تاجر بزرگ عربستان آنوقت، به پیغمبری خویش انتخاب می نماید!!

با این مختصر از شناخت خدای معرفی داشتگی ادیان ابراهیمی بر داشت های مختلفی خواهیم داشت و پیغمبران، که خود شان هم از خدائی که خود را فرستاده او می دانند چندان معلوماتی دقیق و منطقی ندارند فقط با دادن صفات متضاد و چند جهته او را به پیروان و یا علاقه‌مندان خود معرفی داشته اند. هیچ یک از این پیامبران خدا را ندیده و صدای او را نشنیده اند فقط ادعا داشتند که آن‌ها از طرف خدا برای رهنمائی بشریت و همان مردمی که

در نقاط خاص جغرافیائی وجود دارند فرستاده شده و چند تن از دوستان و امثال اوشان روی مصلحت های اجتماعی همان وقت با خوشحالی آن گفتار هارا تأیید و شاید هم (چک چک) نموده اند در حالی که جز ادعای شخص پیامبر شواهد و مدارکی عینی در انتخاب خداوند نبوده است. عیسویت با وجودی که خود را ادامه دهنده راه یهوه (خدای مختص یهود) می گوید اما یهوه را نمی پذیرد و یهودیها هم پسر خدا را در عیسویت و محمد را در اسلام قبول ندارند؟ و اسلام هم هر دوی آن را رد می کند؟

در فابریکه پیامبر سازی خیالی فلسطین و اعراب به هر نوع پیامبر بر می خوریم مثلاً پیامبر غریب، پولدا، چوپان، دهقان، ماهیگیر، عاشق پیشه، مریض، پادشاه، شهزاده و انواع انسانها دارای موقف های اجتماعی و سیاسی گوناگون که در طول عمر شان هرکاری نموده اند جز پیامبری !!!؟؟ که این شاهان پیامبر زیاد تر به لشکر کشی ها در مناطق همجوار خود و گرفتن اموال غنیمتی مشغول بوده اند تا شغل شریف پیامبری !!!؟؟

بعد از مرگ پیامبران، زرننگ های جامعه با عبا و قبای دینی، اندک ریش و یابی ریش، با اندوختن کمی از آنچه پیامبر شان گفته به نام حواریون، نزدیکان، اصحاب و یا هم چیز فهمان همان دین با درک نقاط حساس جوامع بیمار دینی وارد کار زار زندگی شده و مقدسانه شروع نمودند به تزریق خرافات در مغز ها با تشریح خدا، روز جزا، پیامبر و...

در وطن بلا کشیده ما مقدسین بیسواد، نبض جامعه و مردم را در دست گرفتند و مردم بی آزار و صادق ما چون به اساسات اسلام و عقاید و باورمندی های خود ثابت هستند زودتر زیر تأثیر گفتار همچو اشخاص رفته و این دلالان دین، این خائنین به انسانیت، این جنایت کاران نا مرئی خود را بین بشریت و خدا رابط و حلال مشکلات انسانی قالب زدند و منحصیث دنباله رو مخلص و میراث خور پیامبر و دین به حساب آورده و موجودیت و به حق بودن طرز العمل خود را بر ما تحمیل نمودند. آنها با زرننگی و مهارت خود را در چوکات های مقدس اسلامی رنگ داده و منحصیث قشر ممتاز و روحانی تبارز نمودند و تعدادی از آن ها در طول تاریخ فقط محافظه کارانه، در حدود تبلیغ خود رامصرف ساختند و این کار را تا زمان جذب شدن به نیروی های استعماری دوام دادند و با وابسته شدن و تصور پشتوانه مادی و معنوی از طرف نیرو های استعماری تبدیل شدند به موجودات تطبیق کننده آن اندیشه ها؟؟ که پیامد های ننگین و بی وجدانی عناصر تن و روان فروخته را به دوام داشته است.

ختم بخش اول